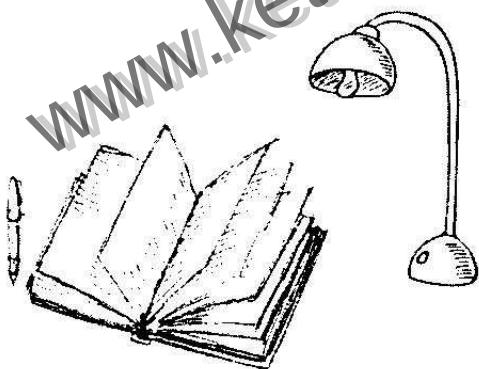




یادداشت‌های یک دیوانه



نویسنده:

ثمین بهبودی

سرشناسه	: بهبودی، ثمین،
عنوان و نام پدیدآور	: یادداشت‌های یک دیوانه/نویسنده ثمین بهبودی.
مشخصات نشر	: مشهد: مداد مشکی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۴۳۹۵-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- ۲۰th century
رده بندی کنگره	: ۸۳۳۵PIR
رده بندی دیویی	: ۶۲/۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۴۴۴۶۰



نام کتاب: یادداشت‌های یک دیوانه

نویسنده: ثمین بهبودی

ناشر: انتشارات مداد مشکی

چاپ دیجیتال: اساتید برتر

چاپ: اول، بهار ۱۳۹۹

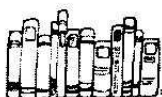
قطع: رقعی

تعداد صفحات: ۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۹۴۳ - ۹۵ - ۲



یادداشت اول

من مدت‌هاست در یک آسایشگاه روانی بستری هستم، چون به من می‌گویند دیوانه هستم زمانی که واقعاً دیوانه بودم کسی چیزی به من نمی‌گفت، اما حالا که می‌گویم من دیوانه نیستم، هیچکس حرفم را باور نمی‌کند!

زمانی که واقعاً دیوانه بودم، هیچ درد و رنجی را حس نمی‌کردم، چون بقیه هم مثل من بودند، راست می‌گویند که «دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید».

اما الان دو هفته بیشتر است که می‌گویم، من عاقلم اما کسی اعتنایی نمی‌کند تازه الان فهمیدم که چقدر زندگی در اینجا سخت و طاقت فرساست.

برای اثبات دیوانه نبودنم، یک نقاشی زیبا کشیدم و کتاب بی‌نظری راجع به دیوانه‌ها نوشتم، تا شاید با دیدن این آثار از من، رهاشم کنند و دیگر به من نگویند دیوانه‌ای!

اما شما که مخاطب یادداشت‌های من هستید باید بدانید هر قدر کارتان ارزشمندتر باشد احتمال دریافت تحسین و قدردانی در ازای آن کمتر خواهد بود و اگر اثری عالی و درخشان ارائه دهی، هیچکس هیچ توجهی نخواهد کرد، یا حتی ممکن است لعنت هم بفرستند.

اما بعد از گذشت چند قرن از تو یک مجسمه می‌سازند و به کتابخانه‌ها به دیده احترام می‌نگرند.

هر قدر شخص بزرگتری باشی، مردم به زمان بیشتری احتیاج دارند تا تو را بشناسند.



چون معمولاً قرن‌های متمادی طول می‌کشد تا بشر بتواند هوش یک دیوانه نابغه را هضم و جذب کند.

هر چه ارزش تو بیشتر باشد، دیرتر متوجه اهمیت آن خواهند شد، یک مرد دیوانه مثل من با این نبوغ عالی و آثار نقاشی زیبا، شاید احتیاج به قرن‌ها زمان باشد که بتوانند پی به هنری بودن و باارزش بودن آن ببرند و هنرش را مورد تقدیر قرار دهند.

اینکه من از طرف یک مشت دیوانه مورد تمجید قرار گرفتم خیلی دردناک بود، تنها کسانی از کارهای من ابراز خوشحالی و شادمانی کردند که همگی زنجیری و دیوانه بودند ... حتی یک عاقل هم پیدا نشد که از تابلوی نقاشی من تعریف کند. می‌خواهم این را بگویم که اگر از طرف یک مشت دیوانه یا احمق مورد تمجید قرار بگیری مجبوری مطابق میل و نظر آنها رفتار کنی برای کسب احترام و پذیرش آنها تو باید از آنها احمق‌تر باشی، فقط در این صورت است که تو را مورد عزت و احترام قرار خواهند داد، اما تو چه چیزی هایدت خواهد شد؟ هیچ! هیچ چیز عایدتان نمی‌شود.

باید بی‌اعتنا به آنچه که دیگران می‌گویند زندگی کرد. به نظر من که یک دیوانه هستم، هر کاری را که دوست داشتی انجام بده ولی هیچ‌گاه طالب قدرشناسی و پذیرش دیگران نباش، چون این یک جور گدایی است.